

انقلاب چه کسانی؟ تاثیر انقلاب 1979 ایران بر اسلام گرایی سنی

8:31 PM Saturday, July 01, 2023



فصل نامه علمی معرفت شیعه ۲۴
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۰

گزارش فراتحلیلی از مطالعات غرب در مورد انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر پروژه «انقلاب چه کسانی؟ تأثیر انقلاب ۱۹۷۹ ایران بر اسلام‌گرایی سنی»

| ۱۰۳ |

محمد رضا حضوربخش^۱

چکیده

ازجمله پژوهش‌های در حال انجام درباره انقلاب شیعی ایران و تأثیر آن بر اسلام‌گرایی سنی، پروژه‌ای با عنوان «انقلاب چه کسانی؟ بازشناسی تأثیر انقلاب ۱۹۷۹ ایران بر اسلام‌گرایی سنی» است. بررسی سوابق پژوهشی تیم تحقیق پروژه، بیانگر گرایش مطالعاتی آنها به خاورمیانه و به ویژه مطالعه مسائل داخلی کشورهای نظیر ایران، سوریه و لبنان می‌باشد. اعضای تشکیل دهنده این تیم عبارتند از: توبی متیسن، استاد رشته سیاست تطبیقی و روابط بین‌الملل با تمرکز بر مسائل خاورمیانه؛ رافائل لافورکه محقق پژوهش‌های خود را بر «تغییر ماهیت اسلام‌گرایی سنی در خاورمیانه، با تمرکز ویژه بر شام» بنا نهاده است و محمد عطایی که مدرک دکترای او در رشته تاریخ از دانشگاه ماساچوست می‌باشد و علایق پژوهشی او شامل انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ایران، سیاست خارجی ایران، جنبش‌های اسلامی، سیاست فراملی شیعه و فرقه‌گرایی است.

اندیشکده Henry Luce Foundation با همکاری دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن^۲، مسئولیت پشتیبانی این طرح پژوهشی را پذیرفته‌اند. طبق نتایج به دست آمده از این پروژه تا کنون، انقلاب اسلامی ایران عالمان و گروه‌های اسلام‌گرا و برجسته اهل سنت را تحت تأثیر قرار داده است. این پروژه در حال حاضر به اتمام نرسیده است و تمام موارد بیان شده در بخش توصیفی و آنچه «هست» قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، اسلام‌گرایی سنی، توبی متیسن، رافائل لافور، محمد عطایی

۱. پژوهشگر مطالعات اسلامی در آکادمی بین‌الملل و دانش‌آموخته دکترای کلام از دانشگاه قم.
m.hozoor@gmail.com
2. The London School of Economics and Political Science.



مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، در اواخر دهه هفتاد میلادی توجهات بین‌المللی را به خود جلب کرد. این حرکت از یک سو نوعی ایستادگی در مقابل ابرقدرت آن روز بود؛ به گونه‌ای که در شعارهای انقلابی هم به صراحت از تعارض کامل با این کشور پرده برداشت. از سوی دیگر، این انقلاب حرکتی بود که بر مبنای شور دینی مردم به وقوع می‌پیوست و طبیعی بود که از همان اوایل پیروزی انقلاب، شرق‌شناسان، اندیشمندان و اندیشکده‌های سیاسی به ویژه در آمریکا به مطالعه این پدیده نوظهور و چرایی آن بپردازند.

به تدریج و بعد از گذشت چهل سال، مطالعات این چنینی به تعداد قابل توجهی رسیده‌اند و در آنها بررسی و تحلیل راهبردی ابعاد مختلف انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است. نباید ساده‌انگارانه پنداشت که میان این مطالعات و پژوهش‌ها ربط منطقی وجود ندارد و هر یک بنا به اقتضائات زمانی و مکانی مورد حمایت قرار گرفته‌اند؛ بلکه باید از طریق پژوهشی فراتحلیلی و ناظر به مطالعات مقابل، به منطق گفتمانی آنها پی برد و نوع نگرش سیاست‌مداران و تصمیم‌سازان غربی را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران واکاوی کرد.

ناگفته نماند، از آنجایی که ماهیت انقلاب ایران، اسلامی است و بر پایه خواست دینی مردم در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته و رهبری آن بر عهده شخصیت برجسته روحانی شیعی است، گرایش بخشی از این پژوهش‌ها به سمت حوزه علمیه می‌باشد. به گونه‌ای که لازم است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که حوزه علمیه از راه چه فرآیندی توانست به یک بسیج عمومی دست پیدا کند و قدرت حاکم زمان خود را سرنگون سازد؟ و حوزه علمیه چطور از طریق انقلاب اسلامی می‌تواند در سایر جوامع اسلامی نیز رویه خود را ادامه دهد و جایگاه و حضور اقتصادی، سیاسی و نظامی غرب به سرکردگی آمریکا را در منطقه به چالش بکشد؟

باتوجه به این مسائل، لازم است که سلسله پژوهش‌هایی با کلیدواژه‌های انقلاب اسلامی ایران، حوزه علمیه، تشیع در ایران، ژئوپلیتیک خاورمیانه یا به طور کلی مطالعات خاورمیانه، قدرت نظامی ایران و... انجام شده و برای رمزگشایی از این قبیل مطالعات و تحلیل‌های راهبردی و آینده‌پژوهانه تلاش شود. نوشته حاضر به عنوان نقطه آغازین نقشه راه از پیش‌گفته انجام شده و با پذیرش کاستی‌هایی که در این راه وجود خواهد داشت (مانند



دسترسی نداشتن به منابع دست اول)، تلاش می‌کند تا ادبیات چنین گفتمانی را ایجاد کرده و انگیزه‌ای برای ادامه مسیر و پیگیری پژوهش‌های بعدی باشد.

طبق قاعده «ما لا یدرک کله لا یترک کله» پژوهش حاضر در صدد واکاوی یکی از آخرین پروژه‌هایی است که در حال مطالعه انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. این پژوهش با عنوان «انقلاب چه کسانی؟ بازشناسی تأثیر انقلاب ۱۹۷۹ ایران بر اسلام‌گرایی سنی»^۱ بیشتر به دنبال دستیابی به میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در جهت برانگیختگی احزاب و گروه‌های اهل سنت است.

نکته‌ای که باید در مورد این پروژه و سایر پروژه‌ها با دیده تردید و حساسیت در نظر داشت، این است که رهیافت آنها انتزاعی یا به عبارت بهتر، صرفاً ناظر به مبانی فکری و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران نیست، بلکه همواره تحقیقاتی که از سوی اندیشکده‌ها و اتاق فکرهای غربی مورد حمایت قرار می‌گیرند، خوانش اجتماعی - فرهنگی یا دینی در انگیزش اسلام‌گرایان نظامی در منطقه را مورد بررسی قرار می‌دهند. بنابراین، هنگامی که در عنوان پروژه از «بازشناسی تأثیر انقلاب ایران» سخن به میان می‌آید، در حقیقت بحث از تأثیر یا پشتیبانی ایران از گروه یا گروهک‌های نظامی است که علیه غرب یا حامیان آن موضع‌گیری می‌کنند. همین نکته در این پژوهش نیز وجود دارد که در ادامه سرخ‌های آن از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

همان‌طور که بیان شد، این پروژه هنوز به اتمام نرسیده است و در میانه راه قرار دارد؛ اما از آنجاکه نگارنده به نوعی با این پروژه در سطوحی همکاری داشته و مقاله یا مقالات مرتبطی نیز از سوی گروه پژوهشی منتشر شده است، می‌توان تا اندازه زیادی رهاورد آن را پیش‌بینی کرد.

کلیات

عنوان پروژه مورد بررسی «انقلاب چه کسانی؟ بازشناسی تأثیر انقلاب ۱۹۷۹ ایران بر اسلام‌گرایی سنی» یا «Iranian ۱۹۷۹ whose Revolution? Reassessing the Impact of the Revolution on Sunni Islamism» است.

1. Whose Revolution? Reassessing the Impact of the 1979 Iranian Revolution on Sunni Islamism.



تیم تحقیق عبارتند از دکتر توبی متیسن^۱ و دکتر رافائل لافور^۲ و دکتر محمد عطایی^۳ که به عنوان پژوهشگر همکار در این زمینه با آنها همکاری می‌کند. واکاوی سوابق پژوهشی هر یک از این افراد، نشان دهنده گرایش مطالعاتی آنها به خاورمیانه و به ویژه مطالعه مسائل داخلی کشورهای نظیر ایران، سوریه و لبنان است. از آنجایی که این پژوهش به دنبال دستیابی نحوه ارتباط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه همچون سوریه، لبنان، عراق و افغانستان می‌باشد، بنابراین افراد حاضر به درستی در کنار هم گرد آمده و پروژه را به پیش می‌برند.

معرفی دکتر توبی متیسن



توبی متیسن، استاد رشته سیاست تطبیقی و روابط بین الملل با تمرکز بر مسائل خاورمیانه است. علاقه پژوهشی او به موضوعاتی مانند تاریخ روابط بین الملل و ورود در سیاست خاورمیانه توسط هژمون‌های منطقه ای و قدرت های جهانی می باشد. وی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ محقق ارشد روابط بین الملل خاورمیانه در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد بوده و دوره هایی مانند روابط بین الملل خاورمیانه، سیاست خاورمیانه و تاریخ و جامعه دولت های

خلیج فارس را تدریس کرده است. او در سال ۲۰۱۳ افسر تحقیقاتی مرکز خاورمیانه LSE بود که پروژه تحقیقاتی با عنوان «تأثیر بهار عربی بر کشورهای خلیج فارس» را مدیریت می‌کرد. وی همچنین از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ پژوهشگر مطالعات اسلامی و خاورمیانه در کالج پمبروک دانشگاه کمبریج بوده و به عنوان استاد مدعو در دانشگاه های مختلف اروپا، خاورمیانه، آمریکا و استرالیا به فعالیت پرداخته است. متیسن دکترای خود را از دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) در لندن اخذ کرد که جایزه «آرون ویلداوسکی» را برای بهترین

1. Dr. Toby Matthiesen
2. Dr. Raphael Lefevre
3. Dr. Mohammad Ataie



پایان‌نامه در مورد دین و سیاست از سوی انجمن علوم سیاسی آمریکا (APSA) در سال ۲۰۱۲ دریافت کرد.

سه کتاب از توبی متیسن منتشر شده است که به ترتیب عبارتند از:

۱- خلیج فارس فرقه‌ای؛ بحرین، عربستان سعودی و بهار عربی‌ای که نبود؛^۱

۲- سعودی‌های دیگر؛ تشیع، نارضایتی و فرقه‌گرایی؛^۲

۳- خلیفه و امام؛ ظهور اهل سنت و تشیع؛^۳

جدای از پروژه تحقیقاتی حاضر که در مورد بررسی این رساله است، توبی متیسن پروژه دیگری را با عنوان «روابط سنی - شیعی در خاورمیانه» مدیریت می‌کند.^۴

معرفی دکتر رافائل لافور



رافائل لافور محقق پژوهش‌های خود را بر «تغییر ماهیت اسلام‌گرایی سنی در خاورمیانه با تمرکز ویژه بر شام» بنا نهاده است. هدف کار او ارائه گزارشی کلی از روش‌هایی است که در آن گفتمان‌های کلان اسلام‌گرا اغلب توسط بازیگران سیاسی برای بیان و رسیدگی به طیفی از نارضایتی‌های ناپیدای محلی، اجتماعی - اقتصادی و سیاسی استفاده

شده است. پژوهش‌های این چینی در تقاطع جامعه‌شناسی سیاسی، مطالعات شهری و روابط بین‌الملل قرار دارد. پایان‌نامه دکترای او با عنوان «امارت اسلامی لبنان شمالی؛ ظهور و سقوط جنبش توحید در طرابلس، ۱۹۸۲-۱۹۸۵» به بررسی چگونگی ظهور یک گروه اسلام‌گرای تندرو در شهر طرابلس لبنان در طول دهه ۱۹۸۰ پرداخته که نشان از تنش‌های عمیق اجتماعی درون طرابلس دارد.

1. Sectarian Gulf: Bahrain, Saudi Arabia, and the Arab Spring That Wasn't.
2. The Other Saudis: Shiism, Dissent and Sectarianism.
3. The Caliph and the Imam: The Making of Sunnism and Shiism.
4. <https://www.tobymatthiesen.com/wp/beispiel-seite/>.



اولین کتاب او با موضوع چگونگی ظهور اسلام‌گرایی در دهه ۱۹۷۰ در سوریه، تبلور مخالفت طبقه متوسط شهری سنی با یک نظام سیاسی علوی و اکثراً روستایی بود. رافائل اکنون تحقیقات خود را در نیوکالج، بر روندهای اسلامی معاصر و به ویژه بر روی پویایی سیاسی و اجتماعی نهفته در ظهور جنبش‌های سلفی متمرکز کرده است. از جمله آثار وی می‌توان به کتاب «ویرانه‌های حمات: اخوان المسلمین در سوریه»^۱ یا «دولت و اسلام در سوریه بعثی: تقابل با تعامل؟»^۲ اشاره کرد.^۳



معرفی دکتر محمد عطایی

محمد عطایی دارای مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه ماساچوست است و بیشترین تمرکز او در عرصه پژوهش به انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ایران، سیاست خارجی ایران، جنبش‌های اسلامی، سیاست فراملی شیعه و فرقه‌گرایی معطوف است. عنوان پایان‌نامه دکترای او «تاریخ فراملی انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ و پیامدهای منطقه‌ای آن در دهه ۱۹۸۰»^۴ می‌باشد. این پایان‌نامه مفهوم‌سازی

انقلاب‌ها به عنوان نیروهای بین‌المللی و ایدئولوژیک، تأثیرات فکری و سیاسی انقلاب و تلاش ایران در دهه ۱۹۸۰ برای صدور انقلاب را بررسی می‌کند. عطایی هنگام حضور و همکاری پژوهشی با مرکز «کراون»، در حال توسعه پایان‌نامه خود به عنوان کتابی درباره تأثیرات فکری، سیاسی و نظامی انقلاب ایران بر افغانستان، بحرین، عربستان سعودی و عراق و همچنین نیروهای اسلامی فلسطین و لبنان در دهه ۱۹۸۰ است. او قبل از دوره دکترای، خبرنگار دیپلماتیک سازمان ملل بود. آثار او در فارین پالیسی، گاردین، لوب لاگ، سیاست خاورمیانه، ایرنا، دیپلماسی ایرانی، کامنت سوریه، مرکز JIME و مؤسسه اقتصاد انرژی در

1. Ashes of Hama: The Muslim brotherhood in Syria.
2. State and Islam in Baathist Syria: confrontation or Co-optation?
3. <https://www.sant.ox.ac.uk/people/raphael-lefevre>.
4. Transnational history of the 197879- revolution and its regional ramifications in the 1980s.



ژاپن منتشر شده است.^۱

در هر صورت، اندیشکده Henry Luce Foundation با همکاری دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن^۲ مسئولیت پشتیبانی از طرح پژوهشی انقلاب چه کسانی؟ بازشناسی تأثیر انقلاب ۱۹۷۹ ایران بر اسلام‌گرایی سنی را پذیرفته‌اند. در معرفی پروژه که تصویری از مجمع اتحاد اسلامی تهران در سال ۱۹۸۴ نیز به آن ضمیمه شده، چنین آمده است:

«در چهلمین سالگرد انقلاب ۱۹۷۹ ایران، تألیفات بسیاری درباره این بزنگاه تاریخی در تحولات سیاسی خاورمیانه نگاشته شده است. اندیشمندان به بررسی ویژگی‌های رژیم اسلام‌گرای انقلابی شیعی پرداخته‌اند که به نوعی سایر گروه‌های اسلام‌گرای شیعی را در منطقه تحریک و تقویت کرده‌اند. با این وجود، پرسش کنونی این است که از چه طریق و به چه میزان انقلاب ایران به تکامل اسلام‌گرایی اهل سنت در جهان عرب یاری رسانده است؟ ... پژوهش حاضر بر اساس شبکه‌های فراملی اسلامی و انجام مصاحبه کیفی به دنبال مطالعه ژرف در مورد تأثیر ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی انقلاب ایران بر اسلام‌گرایی اهل سنت می‌باشد.»^۳



تأثیرگذاری انقلاب ایران بر اسلام‌گرایان اهل سنت در خاورمیانه

در یکی از خروجی‌های حال حاضر پروژه، به جزئیات تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است. در این یادداشت بیان شده: «تأثیر جهانی انقلاب اسلامی

1. <https://www.brandeis.edu/crown/who/index.html>.

2. The London School of Economics and Political Science.

3. <https://www.lse.ac.uk/middle-east-centre/research/sunni-islamism-and-iran>.



توجهات سیاسی و آکادمیک بسیاری را به خود جلب کرده است؛ به‌ویژه نسبت به ارتقای گروه‌های اسلام‌گرای نظامی شیعه مانند حزب‌الله لبنان. اما دقت در ارتباط میان انقلاب اسلامی و تشیع در سراسر جهان، نه تنها فرآیندهای پیچیده‌ای که متصدی گونه‌بندی سیاست‌های فراملی شیعی هستند را تحت الشعاع قرار می‌دهد، بلکه تأثیر انقلاب بر تعداد زیادی از اهل سنت در منطقه را نیز دستخوش تغییر می‌کند. در واقع، علی‌رغم تنش فرقه‌ای دیرینه سنی - شیعه، عجیب به نظر می‌رسد که چطور انقلاب ایران توانسته است عالمان و گروه‌های اسلام‌گرا و برجسته اهل سنت را تحت تأثیر قرار داده و حتی تحکیم ببخشد؛ آنهایی که انقلاب ایران را طبیعتاً به‌عنوان یک دستاورد اسلامی و نه صرفاً یک نگاه کوتاه‌بینانه شیعی قلمداد می‌کنند.^۱

از جمله گروه‌هایی که پروژه حاضر بر آن متمرکز است، «اخوان المسلمین مصر» می‌باشد. طبق آنچه در این یادداشت آمده، میان انقلاب ایران و اخوان المسلمین مصر در وهله نخست سمپات خوبی به وجود آمد؛ چراکه از نظر اخوان، یک گروه اسلام‌گرا که به دنبال تحقق بخشیدن به شریعت اسلامی در بدنه جامعه ایران خواهد بود، به قدرت رسیده است. به علاوه برخی از متفکران و نخبگان سیاسی و فکری در ایران تحت تأثیر افرادی مانند حسن البنا یا سید قطب بوده و کماکان نیز هستند و به همین دلیل، گروه‌های اخوانی در تهران حضور پیدا کردند. انقلاب اسلامی ایران در فاز نخست، ارتباط وثیق ایدئولوژیک و اجتماعی میان شیعه و سنی را در دستورکار خود قرار داده بود. در نهایت از نظر نویسندگان، طولی نکشید که این ارتباط به چند دلیل دوام نیاورد:^۱ تعارضات داخلی و حاشیه نشین شدن بخشی از بدنه روحانیت به سرکردگی آیت‌الله منتظری که بیشتر از سایرین به دنبال ارتباط‌گیری با اهل سنت بود؛^۲ فاصله‌گیری از ایدئولوژی اولیه براساس پان‌اسلامیسم و جهت‌گیری به سمت نظریه ولایت فقیه در خاستگاه شیعی آن؛^۳ پیشتازی جمهوری اسلامی ایران به عنوان زایش نوین اسلام‌گرایی که بیشتر به دنبال حمایت مالی و لجستیکی از گروه‌های شیعی و سنی‌ای بود که گرایش نظامی بیشتری در مقایسه با اخوان المسلمین داشتند.^۲

1. <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2021/26/04/how-irans-1979-revolution-affected-sunni-islamists-in-the-middle-east/>.

2. Ibid.



مسئله تنها بدین جا ختم نمی شود و پروژه علاوه بر پیگیری معادله ها و راهبردهای تعاملی انقلاب اسلامی با گروه های اهل سنت در منطقه، پای خود را فراتر می گذارد و انقلاب اسلامی ایران را در مسیر یارگیری برای اهداف نظامی خود در منطقه معرفی می کند:

«پیش از اینکه ایران در دهه نخست قرن بیست و یکم رسماً از حماس حمایت کند، جمهوری اسلامی به دفعات از گروه های اسلام گرای سنی با گرایش نظامی پشتیبانی کرده بود. از باب نمونه می توان به گروه جهاد اسلامی فلسطین اشاره کرد. جمهوری اسلامی چه در نوار غزه، کرانه باختری و چه در لبنان مورد احترام افکار عمومی بود؛ چراکه اولین اقدام جمهوری اسلامی، تحویل سفارت اسرائیل به سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) بود. اگرچه محور دوگانه خمینی - عرفات هم به دلیل موضع گیری های سازمان به نفع عراق در جنگ ایران و عراق و هم به خاطر پشتیبانی ایران از ایجاد شاخه نظامی گروه سنی جهاد اسلامی، به سردی گرایید.

ایران همچنین اقدام به حمایت از گروهک های نظامی دیگری نیز داشته است. به عنوان نمونه، در شهر طرابلس لبنان، سعید شعبان که یک روحانی سنی انقلابی بود به عنوان طرفدار نظریه «الگوی ایرانی» ظهور کرد. در جریان تجاوز ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان، وی جنبش «حرکت توحید اسلامی لبنان» را راه اندازی کرد؛ جریانی نظامی و مسلحانه که به مبارزه با چپ گرایان و سربازان ارتش سوری شهرت یافت و شهر طرابلس را برای مدت سه سال به مقرر دولت اسلامی تبدیل کرد. جمهوری اسلامی روابط نزدیکی با اسلام گرایان سنی این شهر برقرار کرد و در عوض آنها نیز به گسترش ایدئولوژی و منافع انقلابی جمهوری اسلامی در لبنان مبادرت ورزیده و روابط تنگاتنگی را با هم پیمان لبنانی دیگر جمهوری اسلامی، حزب الله، برقرار کردند.

برنامه اصلی ایران در ایجاد اتحاد جهانی میان گروه های نظامی اهل سنت و شیعه، رویکرد فرافرقه ای آن در تقویت ارتباط با روحانیون اهل سنت بود. در همان اوایل دهه هشتاد میلادی، ایران تعداد قابل توجهی از انقلابیون جهان سومی را به تهران دعوت کرد تا بتواند در سایه آن، نظامیان شیعی و سنی را مرتبط سازد. طی سالیان متوالی «مجمع جهانی اندیشمندان مسلمان» و «کنفرانس هفته وحدت» در تهران راه اندازی شد تا از این طریق شبکه روحانیون مبارز سنی و شیعه تقویت شود؛ شبکه ای که از



سیاست خارجی ایران تبعیت می‌کند. در لبنان این برنامه تا حدی پیش رفت که روحانیون طرفدار ایران «انجمن علمای مسلمان» را تأسیس کرده و به مقابله با اسرائیل پرداختند.^۱

جاذبه انقلاب اسلامی ایران

همان‌طور که پیداست، سویه پژوهشی پیرامون واکاوی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایان اهل سنت، چیزی بیشتر از پی‌جویی تأثیرات نظامی و هرآن چیزی است که به لحاظ جهان‌بینی یا فرهنگی و اجتماعی - سیاسی به آن ختم می‌شود. از این نظر، نمی‌توان مطالعاتی که درباره جمهوری اسلامی ایران انجام می‌پذیرد را واقع‌بینانه و ناظر به شرایط منطقه‌ای این کشور پنداشت؛ بلکه این قبیل پژوهش‌ها که گاه‌ب‌گاه بعدی مورد استفاده تصمیم‌سازان ارشد غربی در آمریکا و اروپا قرار می‌گیرند، بیشتر به دنبال تعیین نوع مواجهه با خیزش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک ابرقدرت نظامی و رهبر محور مقاومت هستند.

در همین تحقیق، آثاری ترجمه شده‌اند که به تحریکات انقلاب اسلامی ایران برای گروه‌های شیعی در افغانستان و لبنان اشاره دارند؛ از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» به قلم محمد سرور رجایی و «شبه دیوارها؛ خاطرات آزاده لبنانی دفاع مقدس شیخ ماجد سلیمان الحاج» اشاره کرد.

نیمی از فصل‌های کتاب از دشت لیلی تا جزیره مجنون، نخست از فارسی به انگلیسی ترجمه شده و دقت در نحوه انتخاب فصول بیانگر این نکته است که پژوهشگر به دنبال دستیابی به فرآیند جذب شیعیان افغانی به نفع انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی در ایران بوده است؛ همچنین اینکه چرا و چگونه این عده حاضر شدند با رشادت تمام در عملیات‌های مختلف نظامی در طول دفاع مقدس ایران شرکت داشته باشند و از جان خود بگذرند در حالی که همان زمان، افغانستان درگیر مسائل داخلی و جنگ با ارتش سرخ شوروی بود. اگرچه بیشتر نیروهای افغانستانی که در «تیپ ابوزر» سازماندهی شده بودند شیعه یا گرایش شیعی داشتند؛ اما به هر حال در کشوری به دنیا آمده و بزرگ شده بودند که مورد تجاوز آشکار قرار گرفته بود و دولت‌های چپ نیز لحظه به لحظه دایره تسلط خود را بر

1. Ibid.



مسلمانان وسعت می بخشیدند. با این وجود، بسیاری از آنها تحت تأثیر شخصیت برجسته امام خمینی به عنوان یک رهبر دینی و مسلمان به انقلاب ایران علاقه پیدا کردند و به امید خدمت به اسلام و نه صرفاً تشیع، به ایران مهاجرت کرده و در مراحل بعدی حتی در دفاع مقدس نیز مشارکت فعالی داشتند.

در کتاب دیگری که به خاطرات آزاده لبنانی «شیخ ماجد سلیمان» اشاره شده است، او نیز به دلیل علاقه به حوزه علمیه قم و شخصیت امام خمینی وارد ایران می شود و در همان اوایل جنگ به اسارت گرفته شده و آزار و شکنجه های بسیاری را در طول ده سال اسارت خود تحمل می کند. در همین زمان، وی ارتباط عمیق و نزدیکی با اسرای ایرانی پیدا می کند تا جایی که خود را در مقاطع مختلف به عنوان یک ایرانی قلمداد کرده و تمایل دارد که عضوی از آنها باشد.

نگاهی به هر دو کتاب نشان می دهد که رویه پژوهش از پیش گفته شده چگونه است و به دنبال مستندسازی چه مدعایی است. کتاب هایی که برای ترجمه گزینش شده اند نیز به نوعی در چارچوب نظامی گری قرار می گیرند و اینکه هدف نهایی جمهوری اسلامی ایران یارگیری نظامی است؛ حتی اگر از رهگذر هویت دینی، کمک های اقتصادی، مواضع سیاسی یا مشکلات اجتماعی بگذرد. البته تمام این موارد در بخش توصیفی و آنچه «هست» قرار دارد. طبیعی است که باید بیشتر منتظر ماند تا پروژه حاضر در بخش تجویز و آنچه «باید» نیز ورود کرده و بررسی شود که آیا پیش بینی ها نیز این نوشته را تأیید خواهند کرد؟ همچنین مشخص شود این پروژه به صورت یک جانبه گرایانه به دنبال برون داد رهیافت هایی است که در نهایت مورد استفاده تصمیم سازان غربی قرار گیرد و یا به صورت استثنایی به دنبال انجام یک تحقیق واقع بینانه و کاملاً آکادمیک خواهد بود.

